

اشاره:

اندیشه پیشرفت و ترقی همزاد آدمی و سنت قطعی الهی است و در طبیعت و ذات انسان، ایستایی وجود ندارد. همین امر، راز ماندگاری و تلاش برای ساخت آینده‌ای مطلوب می‌باشد و تمام ادیان بشری و الهی داعیه‌دار ترسیم برنامه رشد و تکامل انسان و جوامع بشری می‌باشند؛ چراکه اساسا کمال‌طلبی، عامل تحرک و اقتضای ذات او می‌باشد. در دوران روشن‌گری قرن هجدهم، اندیشه ترقی در حقیقت یگانه ایمان و امید اکثر حکماء اروپا بود و آرام آرام در قامت نظریات توسعه‌ی پا به دنیای علم گذاشت و به نوعی تبدیل به دین عصر مدرن گردید و روند جهانی شدن را طی نمود. این اندیشه در تمام کشورهای به اصطلاح توسعه نیافته، رسوخ کرد. در مقابل گفتمان سکولار، همواره گفتمان توحیدی دینی برای تحول و ترقی بشر، ایده داشته و متفکران و عالمان دینی در اعصار مختلف بر اساس اقتضائات زمینه و زمانه، در صدد پاسخ به چرایی و چگونگی پیشرفت انسان و جوامع اسلامی و کل بشری بوده‌اند. یکی از برجسته‌ترین و جامع‌ترین متفکران معاصر، علامه مصباح یزدی (ره) بود که با شاگردی در مکتب امام خمینی‌ره و توشه‌گیری از سفره سرشار وحی و عقل، در پاسخ به این سوال که «چگونه می‌توان به بهترین شکل، تغییرات مطلوب را در جامعه ایجاد کرد و جامعه مطلوب ساخت؟»، به نظریه‌پردازی همت نموده و عوامل و موانع پیشرفت را مورد بررسی قرار داد. یکی از سوالات بنیادین، نقش سنت‌های الهی را در پیشرفت انسان و جامعه است که در این نگاره در صدد هستیم تا با تاکید بر اندیشه ایشان، مورد ملاحظه قرار دهیم.

آزمون و امداد تأ مقصد

پیشرفت و سنت‌های الهی

از منظر علامه مصباح یزدی فدیرشع

مهدی رشید

قبل از ورود به بحث، دو مفهوم کلیدی را از منظر علامه تبیین می‌کنیم:

۱. پیشرفت

پیشرفت در ادبیات سیاسی- اجتماعی امروز، یک اصطلاح میان رشته‌ای است و در اقتصاد، جامعه‌شناسی، علم سیاست و... تعاریف متعددی دارد. از منظر علامه مصباح (ره) واژه‌ی «پیشرفت»، از نظر تحلیلی، ۴ عنصر دارد که هر مکتب و گفتمانی بر اساس نظام معرفتی و ارزشی خود به آن معنا می‌بخشد و عبارت است از: یک راه و مسیری که باید آن را در راستای مقصد مشخصی رو به جلو پیمود. طبعاً میزان پیشرفت و پسرفت را با توجه به میزان دور و نزدیکی به مقصد می‌سنجند. لذا دلیل عمده این اختلاف نظرها در پیشرفت، تفاوت در اهداف است.

۲. سنت الهی

کلمه «سنت» در لغت، راه و رسم، روش و رفتار، و شیوه‌ای است که استمرار داشته باشد و در اصطلاح به «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» یا «روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را برپایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» اطلاق می‌گردد. لذا در قرآن کریم، قوانین جامعه‌شناختی به سنت‌های الهی تعبیر شده است و مقصود، گونه‌ای از افعال خداوند است که بدون اختصاص به یک زمان، مکان و یا قوم خاص، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و دربارهی گروه‌های مختلف مردم واقع می‌شود.

نقش سنت‌های الهی در پیشرفت انسان

از آن‌جا که انسان یک موجود اجتماعی است، تحرک و تکامل وی یک نظام قوانین اجتماعی لازم دارد تا در یک چارچوب عقلانی و مبتنی بر

باشند و در طریق حق و خیر قدم نهند؛ یعنی وسایل پیشرفت و نیل به هدف را برای هر دو دسته فراهم می‌سازد. هرچند که با توجه به آیات شریفه، این امدادهای الهی به جویندگان دنیا، محدود و به طالبان آخرت می‌شود حدو مرز ندارد. و این بدین سبب است که میل‌ها و اهواء اهل دنیا متزاحم و متعارض است و برآوردن همه آن‌ها نه ممکن و مقدور است و نه موافق مصلحت و حکمت، ولی خواسته‌های اهل آخرت تزاحم و تعارض نمی‌یابد و همه آنان می‌توانند که به هرچه می‌خواهند رسند، مشروط بر این که از هیچ کوششی برای تحصیل معرفت هرچه‌بیشتر، نیت هرچه‌پاک‌تر، و عمل هرچه بهتر فروگذار نکنند. در واقع تمام سنت‌های الهی مخصوص اهل حق، به یک معنا، مصادیق «زیادت نعمت» است. این سنت‌ها را می‌توان تحت چهار عنوان «زیادت نعمت‌های معنوی و اخروی»، «تحبيب و تزئین ایمان»، «زیادت نعمت‌های مادی و دنیوی» و «پیروزی بر دشمنان» مندرج ساخت.

۴. سنت تغییر و تبدیل

علی‌رغم این که سنت‌های الهی در پیشرفت انسان و جامعه نقش به‌سزایی دارند، اما یکی از مهم‌ترین سنت‌های الهی این است که سرنوشت انسان‌ها با اختیار و عزم خودشان رقم می‌خورد. (ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) یعنی تمام سنت‌های الهی نقش علت اعدادی و مکمل را دارند و مشروط به این هستند که مومنین حرکت کنند، تلاش کنند، اگر نقص و ضعفی بود، خدای متعال کمک می‌کند نه این که مردم و حاکمیت، تلاشی برای پیشرفت و تحول نکنند و انتظار تحقق نصرت الهی را داشته باشند. در یک نگاه کلی، تمام انواع سنت‌های الهی، اعم از سنت‌های مطلق و مشروط؛ سنت‌های عام و خاص؛ سنت‌های مستقل و مرتبط و مترتب بر یکدیگر، قوانین الهی برای تکامل جوامع بشری‌اند و اگر جامعه‌ای بخواهد به پیشرفت حقیقی برسد، باید نظامات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اش را مطابق با سنت‌های الهی طراحی و ترسیم نماید و الزاماتش را به کار ببندد. طبیعتاً تنها یک منبع برای ترسیم پیشرفت حقیقی انسان و جامعه باقی می‌ماند و آن، منبع الهی و توحیدی است و منابع بشری نه تنها نمی‌توانند پیشرفت حقیقی را به وجود آورند بلکه بالعکس در بسیاری از موارد سبب عقب‌ماندگی انسان می‌شوند که تجربه دنیای مدرن و رویکردهای آن، شاهدی بر این مدعاست. لذا یکی از دلایل اصلی ناکامی تئوری‌های نوسازی و توسعه سکولار، همین انقطاع از قوانین و سنت‌های الهی است که می‌خواهد با مهندسی اومانستی، انسان و جامعه را به پیش برده؛ درحالی که جهان پیچیده در قوانین و سنت‌های الهی است. لذا امروز نه تنها اندیشمندان دینی و شرقی، سخن از انحطاط و ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی می‌زنند، بلکه سال‌هاست بسیاری از اندیشمندان غربی که زمانی خودشان متولی و حامی نظریه‌های نوسازی غربی بوده‌اند، از بحران و انحطاط این الگوها سخن می‌گویند که نتایج تلخی را بر بشریت تحمیل کرده است. گیدنز جامعه‌شناس برجسته انگلیسی، مدرنیته را همچون گردونه‌ای خرد کننده می‌داند که مهار آن از دست بشریت خارج شده است. وی می‌گوید: «تا زمانی که نهادهای نوگرایی با بر جای مانده‌اند، ما هرگز نخواهیم توانست مسیر یا سرعت این گردونه را تحت نظارت خود درآوریم. همچنین تا این گردونه در حرکت است، هرگز احساس ایمنی نخواهیم کرد.»

نیازهای عینی و واقعی حرکت کند و دچار سردرگمی نشود. در همین راستا تمام مکاتب و ادیان الهی و بشری، سعی در تنظیم و ارائه نظام قوانین اجتماعی نموده‌اند. سنت‌های الهی که به تعبیر علامه مصباح (ره)، همان قوانین جامعه‌شناختی قرآن کریم می‌باشند، ناظر به پیشرفت همه‌جانبه انسان و تحول تمام عرصه‌های حیات وی بوده که با طراحی آن‌ها در قالب نظام قوانین اجتماعی، حرکت به سوی غایت اصلی بشر (قرب الهی) را تسهیل و تسریع می‌کند؛ در واقع یک طرح کامل و دقیق مبتنی بر انسان‌شناسی دینی برای تدبیر ساحات متعدد انسان، ترسیم شده و تمام عوامل، زمینه‌ها و بستری‌های رشد و پیشرفت دینی و دنیوی انسان، به صورت هدفمند و منسجم، ارائه شده است. در این راستا هم سنت‌های مطلق نظیر سنت هدایت و ابتلاء و هم سنت‌های مشروط همچون سنت امداد الهی، برای پیشرفت بشر ترسیم شده است. در این مجال به بازخوانی برخی از مهم‌ترین سنت‌های الهی و تحلیل رابطه آن‌ها با پیشرفت و تکامل انسان و جوامع بشری می‌پردازیم:

۱. سنت هدایت

خداوند مکانیسم‌هایی را برای انسان قرار داده است که سنت هدایت از مهم‌ترین آن‌هاست؛ چراکه تنها او به تمام ابعاد هستی و انسان و نیازهایش، آگاه است و می‌تواند برنامه جامع پیشرفت انسان را طراحی کند. بر اساس سنت هدایت عمومی و تکوینی، خداوند همه‌ی مخلوقات را به سوی کمال مطلوب آن‌ها راهنمایی می‌کند. افزون بر آن، هدایت الهی انسان در دو بُعد انجام می‌شود: نخست، در بُعد شناخت که به واسطه‌ی پیامبران درونی (عقول) و پیامبران بیرونی تحقق می‌پذیرد و از مهم‌ترین ابزارهای آن، اعطای قوای ادراکی برای تشخیص حقایق است. (وَجَعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) دوم، در بُعد عاطفی، که خداوند با نزول سختی‌ها و مصائب، زمینه‌ای عاطفی فراهم می‌آورد تا دل و جان آدمی از هدایت الهی اثر پذیرد و در برابر حق خاضع شود. قرآن کریم می‌فرماید: (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ) هنگامی که این دو زمینه، یعنی شناخت و عاطفه، فراهم شوند، راه برای انتخاب مسیر صحیح هموار می‌شود.

۲. سنت ابتلا و امتحان:

یکی دیگر از مهم‌ترین سنت‌های الهی برای پیشرفت انسان و تحول جوامع، ابتلائات و سختی‌هاست. در این فرایند، خداوند همه‌ی مؤمنان و کافران را با نعمت‌های مادی دنیا می‌آزماید؛ به گونه‌ای که هم اعطای این نعمت‌ها، و هم سلب آن‌ها برای آزمودن انسان‌هاست: (وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ). انسان در کوره ابتلائات همانند آهن گداخته است که هر چه پتک بیشتری می‌خورد، محکم‌تر شده و ارزش بیشتری پیدا می‌کند.

۳. سنت امداد:

که خدای متعال، هم کسانی را که طالب دنیا و کمالات مادی و دنیوی باشند و در راه باطل و شر گام گذارند یاری و کمک می‌کند و هم کسانی را که جویا و خواستار آخرت و کمالات معنوی و اخروی